

دلنوشته من

داستان عشق یکطرفه

نویسنده: پرویز محمدی



#دانش‌نویسندگان_من

#داستان_عشق_یک_طرفه

#نویسنده_پرویز_محمدی

من در یکی از کورس های زبان انگلیسی تدریس میکنم وقتی استاد شدم در آنجا استاد های اناث و ذکور هر دو بودند ولی مه عاشق یک استاد شده بودم مه تازه آمده بودم و او خیلی وقت میشد آنجا بود چشمايش خیلی زیبا بود هر روز اوره میدیدم یک حس دلم پیدا شده بودم میخاستم هر لحظه اوره ببینم همرايش قصه ره شروع میکردم یگان سوال پرسان میکردم او ام با یک لبخند زیبا پاسخ میداد وقتی میدیدمش چشمايم برق میزد انگار ولی او نمیفهمید که مه دوستش دارم میفهمیدم برش مهم نبودم دوستم هم فهمیده بود که مه دوستش دارم از چشمايم معلوم میشد تقریباً یکسال تیر شد دگه میخاستم برش بگویم ولی نمیفهمیدم چقسم بگویم خجالت میکشیدم شب ها روز ها در فکر اش بودم آخر یک روز رفتم نام شه سرچ کردم بلاخره فیسبوک شه پیدا کردم عکس نداشت نام هم نداشت ولی خودش بود هموتو سلام کردم احوال پرسى او وقت او کابل

رفته بود د کورس نیامد هموتو یک چند دفعه باهم چت کردیم یک احوال پرسید بعدش یک روز مه یک استوری مانده بودم عاشقانه بود میخاستم او بفهمه مه دوستش دارم او د استوریم پیام داد گفت ایره بری کی ماندی استاد مه حیران ماندم چی بگویم آخر گفتم بری یک نفر خاص حرف نام شه کشیدم و او فهمید پرسان کد مه گفتم مه دوستت دارم فکر کردم او ام مره دوست داره ولی او گفت مه هیچ حسی برت ندارم خیلی ناراحت شدم شب ها خاب نمی رفتم هر قدر کوشش کردم ولی نشد او عاشقم نشد 😞😞 مه خیلی دوستش داشتم میگفتم جان مه فدایت میکنم باز گفت مه عاشق یکی دگه بودم او عروسی کد ولی مه هنوزم اوره دوست دارم خلاصه نتانستم به کسی که دوستش دارم برسم حالا کوشش میکنم فراموش اش کنم 😞😞

نوت: هر داستانی پایان خوبی نمی داشته باشد کوشش کنیم با کسی که دوست اش داریم مهربان باشیم با هر کی که خوش بود با همان تنها بگذاریم اش چون خوش بودن معشوق باعث خوش بودن عاشق میگردد.

پایان....

نویسنده_پرویز_محمدی

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English